

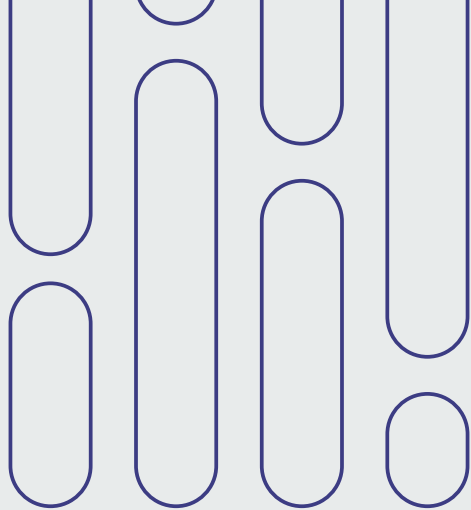
گزارش

رمزگشایی از اظهارات ضد و تقیض سپاه پاسداران درباره سرنوشت احمد متوسلیان

10 آوریل 2023



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- نخست: احمد متوسلیان.. جایگاه و نقش او در نظام
3 ایران
- دوم: روایتهای ایرانی درباره ربوده و کشته شدن
متوسلیان 4
- سوم: چرا ایران در طول 41 سال واقعیت کشته شدن
متوسلیان را پنهان داشته است؟ 6
- چهارم. پیامدهای احتمالی اعلام خبر کشته شدن
متوسلیان بر اوضاع داخلی ایران..... 8
- برآیند 9

اظهارات سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران در اول آوریل 2023 میلادی که از احمد متوسلیان فرمانده پیشین سپاه پاسداران به عنوان اولین شهید راه آزادی قدس و فتوحات محور مقاومت یاد کرد، به منزله اعلام رسمی خبر کشته شدن او و سه نفر همراهش است؛ این در حالیست که از 41 سال پیش تا کنون ایران همواره اصرار داشته است که چهار دیپلمات ایرانی که در لبنان ربوده شده بودند همچنان در زندانهای اسرائیل به سر می‌برند. از این رو، این گزارش با پرداختن به مهمترین روایتهای ایران در مورد ربوده شدن متوسلیان، از راز چهار دهه پنهان کردن خبر کشته شدن او رمز گشایی می‌کند. سپس به پیامدهای روایت های ضد و نقیض اخیر ایران یعنی اظهارات حسین سلامی و تکذیب خبر توسط سپاه پاسداران می‌پردازد.

نخست: احمد متوسلیان.. جایگاه و نقش او در نظام ایران

احمد متوسلیان یزدی در آوریل 1954 میلادی در یکی از محله های جنوب تهران دیده به جهان گشود. او به هنرستان صنعتی ملحق شد و در سال 1972 میلادی مدرک دیپلم دریافت کرد. سپس او در اوایل حکومت محمد رضا پهلوی به خدمت سربازی اعزام شد و در ارتش دوره تخصصی تانک را در تیپ 37 زرهی شیراز گذراند. در سال 1977 میلادی در دانشگاه علم و صنعت ایران و در رشته مهندسی الکترونیک پذیرفته شد.

متوسلیان یکی از [فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران](#) است که در چندین فعالیت نظامی ایران نقش داشت. او در زمان شاه، از مبارزان علیه نظام شاهنشاهی بود و در سال 1977 میلادی به زندان افتاد. بعد از انقلاب در تشکیل [کمیته های انقلاب اسلامی](#) نقش داشت. پیش از آنکه به سپاه پاسداران ملحق شود، در جنگ ایران و عراق به عنوان سرباز شرکت کرد تا اینکه به فرماندهی لشکر «27 محمد رسول الله» سپاه پاسداران رسید. بعد از عملیات [آزادسازی خرمشهر](#) بود که در میان مقامات رده بالای ایران نام او بر سر زبانها افتاد.

در سال 1982 میلادی، ایران وی را همراه با تنی از رزمندگان برای کمک

به حزب الله لبنان و نبرد علیه اسرائیل در جنوب لبنان اعزام کرد. وی قبل از بازگشت به ایران با سه تن از همراهانش که عبارتند از محسن موسوی کردار سفارت ایران در بیروت، تقی رستگار مقدم راننده سفارت و کاظم اخوان که یک خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) بود، ربوده شد. از آن زمان تا کنون همواره ایران بر این نکته تأکید کرده است که متوسلیان و همراهانش توسط اسرائیل ربوده شده و تا کنون نیز در زندانهای اسرائیل به سر می‌برند.

دوم: روایت‌های ایرانی درباره ربوده و کشته شدن متوسلیان

مسأله ناپدید شدن احمد متوسلیان با توجه به اینکه حدود 41 سال در ابهام، تناقض و بی‌خبری مانده، یکی از پیچیده‌ترین مسائل است. از زمان ناپدید شدن او، چندین روایت در ایران نقل شده است از جمله اینکه، او در سال 1982 میلادی از سوی شورای عالی دفاع ایران برای یک مأموریت نظامی و برای مقابله با تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان اعزام شده بود. پیش از بازگشت به ایران، او به همراه کردار سفارت ایران و عکاس خبرگزاری ایرنا و راننده آنها، گشت و گذاری در بیروت داشتند که در گذرگاه البرباره توسط نیروهای حزب کتائب لبنان بازداشت و به اسرائیل سپرده شده‌اند و آنان در یکی از زندانهای اسرائیل به سر می‌برند. بعد از چندی روایت دیگری بر سر زبانها افتاد مبنی بر اینکه نیروهای الکتائب لبنان که به مزدوری اسرائیل متهم هستند، این چهار تن ایرانی را چند روز بعد از دستگیری به قتل رسانده‌اند. این روایت به واقعیت نزدیک تر است، اما نظام ایران همواره تلاش نموده این روایت را مخفی نگه داشته و بر عدم صحت آن اصرار نماید. در عوض، مقامات ایران بارها تأکید کرده‌اند که چهار تن ایرانی همچنان زنده و در زندانهای اسرائیل هستند. از مواضع و اظهارات مقامات ایرانی در طول چهار دهه گذشته به خوبی فهمیده می‌شود که متوسلیان و سه تن همراه او در سال 1982 میلادی کشته شدند. به عنوان مثال، محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران در سال 2016 میلادی به منزل مادر احمد متوسلیان رفت و

اظهار امیدواری کرد که فرزند او در زودترین زمان ممکن بازگردد. اما او در پایان این ملاقات یک جلد قرآن کریم به مادر متوسلیان اهدا کرد و پشت جلد این عبارت را نوشت: «تقدیم به مادر شهید احمد متوسلیان». مثال دیگر، یافته های حمید داود آبادی پژوهشگر جنگ ایران و عراق است که تا کنون سه کتاب درباره احمد متوسلیان به نگارش در آورده است. [داودی در این باره می گوید](#) که او بر این باور بود که تنها فردی که می تواند سر نخ از این کلاف سردرگم به دست ما بدهد، قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس است که در اوایل ژانویه 2020 میلادی در یک حمله هوایی امریکا در نزدیکی فرودگاه بغداد ترور شد. لذا، او در سال 2019 میلادی نزد سلیمانی رفته و به او گفته است که به باور او چهار تن ایرانی که در لبنان ربوده شده بودند، در همان روز اول کشته شدند. سلیمانی نیز بی درنگ گفته او را تأیید کرده و افزوده است که ایران در مقابل دریافت پیکر این چهار تن ایرانی، اجساد چندین تن از نیروهای الکتائب لبنانی را تحویل داده است. اما نتیجه آزمایشات دی ان ای نشان داده است که این اجساد مربوط به آن چهار تن نبوده اند.

علی رغم همه این روایتها که بر کشته شدن متوسلیان دلالت دارد، اما نظام ایران بعد از گذشت این همه سال و تا اندکی قبل یعنی جولای 2019 میلادی، رسماً خبر مرگ او را تأیید نکرده بود. وزارت خارجه ایران گفته بود که «شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه دیپلماتهای ربوده شده در لبنان به نیروهای اشغالگر اسرائیل سپرده شده و آنان بعد از انتقال به سرزمین اشغالی هم اکنون در زندانهای این رژیم به سر می برند». در ماه ژوئن 2021 میلادی، وزارت امور خارجه ایران [به مناسبت سی و نهمین سال ربوده شدن متوسلیان](#) و همراهانش بیانیه ای صادر کرد و در آن گفت که پیگیری این مسأله برای معلوم ساختن سرنوشت چهار تن ایرانی، همواره از اولویتهای این وزارتخانه خواهد بود. پیش از آن نیز، حسن نصر الله دبیر کل حزب الله لبنان گفته بود که شواهدی در دست است که نشان می دهد دیپلماتهای ایران در زندانهای اسرائیل هستند.

حتی بعد از اظهارات اخیر سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران که از متوسلیان به عنوان «اولین شهید ایرانی در راه آزادسازی

قدس» یاد کرد و این به روشنی بر کشته شدن وی دلالت دارد، اما به نظر می‌رسد که نظام ایران همچنان بر ادامه سیاست تناقض‌گویی در این مسأله اصرار می‌ورزد؛ زیرا سرتیپ دوم رمضان شریف سخنگوی سپاه پاسداران اعلام کرد که اطلاعات دقیقی از سرنوشت احمد متوسلیان و همراهان وی که ناپدید شده بودند در اختیار نیست و از اظهارات فرمانده کل سپاه پاسداران برداشت درستی صورت نگرفته است و منظور ایشان تمجید از احمد متوسلیان و نقش پیشتازانه وی در هموار کردن راه آزادی قدس و آزادی ملت فلسطین بوده است.

اما این عقب‌نشینی سریع سپاه پاسداران و تلاش برای توجیه‌های غیر منطقی، شاید به خاطر این است که اظهارات سلامی که در آن از سرنوشت متوسلیان پرده برداشته بود به مذاق برخی ارگانهای تنگ‌نظر نظام خوش نیامده است. زیرا عقب‌نشینی از نظریه توطئه که نظام بیش از چهل سال در پیشبرد سیاستهای داخلی و خارجی خود بر آن تکیه نموده، به بحران اعتماد مردمی دامن می‌زند و نارضایتی مردم را که به حد انفجار رسیده و یادآور حال و هوای پیش از انقلاب 1979 میلادی است بیشتر می‌کند. علاوه بر آن، تأیید خبر کشته شدن متوسلیان به منزله تأیید روایت اسرائیلی و نادرست بودن روایت رسمی ایران است.

سوم: چرا ایران در طول 41 سال واقعیت کشته شدن متوسلیان را پنهان داشته است؟

با توجه به ابهامی که در مورد سرنوشت متوسلیان وجود دارد و نیز عقب‌نشینی سریع سپاه پاسداران از اظهارات سلامی در مورد کشته شدن متوسلیان، می‌توان گفت در مورد اینکه ایران در طول چهل سال گذشته خبر کشته شدن وی را پنهان داشته، چندین احتمال وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره ای خواهیم داشت:

یک. ایران زود هنگام اسرائیل را متهم ساخت: احتمال اول این است که در آن زمان ایران خیلی زود اسرائیل را به ربودن وی متهم کرد و به خاطر اینکه جایگاه نظام در افکار عمومی خدشه دار نشود، از این موضع خود عقب‌نشینی نکرد. به ویژه اینکه، متوسلیان ورد زبان خامنه‌ای در

مناسبت‌های مختلف و مخصوصا در دیدار با خانواده های شهدای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شده بود.

دو. استفاده ابزاری از این حادثه: احتمال دیگر این است که ایران از جزئیات حادثه با خبر بوده است اما تلاش نموده از این حادثه برای پیشبرد برنامه های خود و دشمنی با اسرائیل استفاده ابزاری کند. زیرا در طول این مدت ایران برای پیشبرد طرحهای خارجی خود با کشورهای منطقه و مخصوصا با اسرائیل در خاک لبنان در حال جنگ بود. از این رو، ایران در صدد برآمد تا برای کسب حمایت مردمی از طرح منطقه ای خود از این حادثه بهره برداری کند. ایران همواره از شهدای خود به عنوان نمادی برای کسب حمایت داخلی و بسیج کردن هواداران و حامیان خود استفاده کرده است.

سه. استفاده از این حادثه برای لاپوشانی یک توطئه داخلی: احتمال دیگر این است که متوسلیان و همراهانش قربانی توطئه ای از داخل سپاه شده اند؛ به ویژه اینکه برخی روایات حکایت از اختلاف میان او و تعدادی از فرماندهان سپاه دارد و نکته دیگر اینکه برخی از فرماندهان سپاه نسبت به جایگاه خودشان در صورت بازگشت متوسلیان به ایران احساس خطر کردند زیرا او در مقایسه با همتایانش از توانمندی نظامی بالایی برخوردار بود. در مورد این روایت به سخنانی که از جلسه فرماندهان سپاه در سال 1984 میلادی درز کرده بود استناد شده است. سخنانی که از این جلسه درز کرد از وجود اختلافات میان فرماندهان سپاه مخصوصا میان فرماندهان نزدیک به متوسلیان و رقبای او بر سر مراکز فرماندهی در «سپاه»، پرده برداشت. و این احتمال وجود دارد که اعزام متوسلیان به لبنان به این منظور صورت گرفته است تا وی را از صحنه جنگ دور سازند؛ چرا که او در مورد مدیریت جنگ با فرماندهان عالی رتبه «سپاه پاسداران» و در رأس آنها محسن رضایی و علی شمخانی که در آن زمان جانشین فرمانده «سپاه پاسداران» بود، اختلاف نظر داشت. در همان جلسه علی شمخانی که دبیر کل فعلی شورای عالی امنیت ملی است، از متوسلیان به عنوان «[دندان پوسیده ای یاد کرد که کشیده شده است](#)». قطعا، اگر این پرونده همچنان باز بماند رسانه ها به آن توجه نشان خواهند داد و این احتمال وجود دارد که نظام در این زمینه محکوم شود و شاید هم در دست داشتن به ترور وی متهم

گردد. از این رو، بهتر آن است که این پرونده مختومه گردد؛ به ویژه اینکه اسامی افرادی که با این مسأله گره خورده اند، اکنون نقشهای کلیدی در نظام دارند و احتمال دارد وزن آنان در نظام سیاسی سنگین تر نیز گردد.

چهارم. پیامدهای احتمالی اعلام خبر کشته شدن متوسلیان بر اوضاع داخلی ایران

سخنان سلامی درباره کشته شدن متوسلیان بعد از چهار دهه تکرار روایت زنده و زندانی بودن او و سه تن همراه وی در زندانهای اسرائیل، و سپس عقب نشینی سریع سپاه پاسداران و اعلام اینکه از اظهارات سلامی برداشت درستی صورت نگرفته است، می تواند پیامدهایی بر داخل ایران داشته باشد که در اینجا به طور خلاصه بیان می کنیم:

یک. کم رنگ شدن نظریه توطئه: با بر ملا شدن این ترفند تبلیغاتی، انتظار می رود که نظریه توطئه که نظام ایران از چهل سال پیش و از همان ابتدای تأسیس تا کنون همواره درباره آن در داخل ایران تبلیغات کرده است، دیگر آنگونه که باید خریدار نداشته باشد. زیرا که نظام در طول این سالیان، با تکیه بر این نظریه برای پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه خود در داخل و نیز سیاستهای خارجی خود علیه دولتهای منطقه، تلاش کرده است. و همواره این مطلب را تکرار کرده است که دشمنان نظام - یعنی ایالات متحده و اسرائیل- یک نظام دینی در ایران را بر نمی تابند - ضمن دخالت در امور داخلی ایران، تلاش می کنند توانمندیهای اقتصادی و نظامی ما را هدف قرار داده و فرماندهان و شخصیت های برجسته را ترور کنند. نظام با ترویج این نظریه دو هدف کلی را دنبال می کند که عبارتند از:

الف. کسب پشتوانه مردمی که به سیاستها، اهداف و برنامه های نظام در داخل و خارج باور داشته باشند.

ب. قرار دادن سرمایه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و جغرافیایی کشور در خدمت طرحها و برنامه های فرقه گرایانه سپاه پاسداران و بازوهای نیابتی آن در کشورهای هدف.

دو. وخیم تر شدن بحران اعتماد میان مردم و نظام: خبر اعلام کشته

شدن متوسلیان توسط سردار حسین سلامی می تواند به کاهش مشروعیت نظام و وخیم تر شدن بحران کنونی اعتماد میان مردم و نظام منجر شود. گفتنی است که اکنون نظام به خاطر سیاستهای داخلی و خارجی که در پیش گرفته، اعتماد مردم را از دست داده است. زیرا به خاطر همین سیاستهای غلط نظام است که تحریمهای کمر شکن اقتصادی مجددا بازگشت و ایران در سطح بین الملل منزوی شد و در نتیجه، در پی سقوط ارزش پول ملی ایران شاخصهای اقتصادی و معیشتی به شدت افت کرد. و با کاهش سطح زندگی، میانگین جرائم، فقر و بیکاری به نحو بی سابقه ای در ایران افزایش یافت. در اعتراض به این شرایط، در این اواخر ایران شاهد راهپیمایی های گسترده اعتراضی بود. در چنین شرایطی، اظهارات اخیر سلامی می تواند به خشم و نارضایتی مردم علیه نظام دامن بزند.

برآیند:

اظهارات حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران که از متوسلیان به عنوان شهید راه قدس یاد کرد، به چندین دهه حرف و حدیث درباره اینکه آیا او هنوز در قید حیات است یا اینکه کشته شده است، پایان داد و به منزله اعلام رسمی خبر کشته شدن وی از سوی نظام و یا شاید هم تلاشی برای مختومه کردن این پرونده بود. اما عقب نشینی سپاه پاسداران از اظهارات فرمانده کل و نیز توجیهات غیر منطقی سپاه برای مردم، به روشنی گویای این واقعیت است که جریانی در داخل نظام هست که نمی خواهد در زمان کنونی خبر کشته شدن متوسلیان اعلام شود. و احتمالاً، این مخالفت به خاطر وضعیت شکننده مشروعیت نظام و خشم و نارضایتی فزاینده مردمی است.

